

از
عسکری دوم
شاه عباس اول

دکتر منوچهر پارسادوست



سرشناسه،	پارسا دوست، منوچهر، ۱۳۰۲
عنوان و نام پدیدآور،	از شاه اسماعیل دوم تا شاه عباس اول / دکتر منوچهر پارسا دوست
مشخصات نشر،	تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری،	۵۱۶ ص. (۲۰۴ + ۳۱۲ ص.)
شابک،	
وضعیت فهرست‌نویسی،	فیا.
یادداشت،	کتابنامه: ص. ۱۷۷، ص. ۲۷۵.
موضوع،	اسماعیل صفوی دوم، شاه ایران، ۹۴۲-۹۸۵ ق.
موضوع،	محمد خدابنده صفوی شاه ایرانی، ۹۳۸-۱۰۰۴ ق.
موضوع،	ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق.
شناسه افزوده،	شرکت سهامی انتشار
رده‌بندی کنگره،	۱۳۹۰ الف ۴۲/ب DCR11۷۶
رده‌بندی دیوئی،	۹۵۵/۰۷۱
شماره کتاب‌شناسی ملی،	۳۴۵۰۰۰۳

از
شاه اسماعیل دوم
تا
شاه عباس اول
تألیف: دکتر منوچهر پارسا دوست
ناشر: شرکت سهامی انتشار
چاپ اول: ۱۳۹۱
چاپخانه حیدری: ۱۰۰۰ نسخه
۱۷۵۰۰ تومان



شرکت سهامی انتشار

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۱۰۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۱: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست

۷	پیشگفتار
	فصل اول: دلاوری و تباهی جوانی
۱۳	کودکی و نوجوانی اسماعیل میرزا
۱۴	نبردهای اسماعیل میرزا با ترکان عثمانی
۱۷	زندانی شدن اسماعیل میرزا
۲۱	انگیزه‌های زندانی شدن اسماعیل میرزا
۲۶	اسماعیل میرزا در زندان قهقهه
۳۰	بیماری شاه تهماسب اول و نزاع جانشینی
۳۶	پادشاهی حیدر میرزا و کشته شدن او
۴۱	کشتارها و آشوبها
	فصل دوم: پادشاهی اسماعیل میرزا
۶۱	انتخاب اسماعیل میرزا به پادشاهی
۶۳	قزوین در روزهای بی‌پادشاهی
۶۳	اسماعیل میرزا از قلعه قهقهه تا قزوین
۶۵	اسماعیل میرزا در قزوین
۶۸	جشن تاجگذاری
	فصل سوم: کشتار شاهزادگان
۷۵	مرحله نخست کشتار شاهزادگان

۷۸	 مرحله دوم کشتار شاهزادگان
۸۳	 کشته شدن ابراهیم میرزا
۸۷	 مرحله سوم کشتار شاهزادگان

فصل چهارم: کشورداری شاه اسماعیل دوم

۹۹	 ۱- سیاست داخلی
۹۹	 گورسپاری جسد شاه تهماسب اول
۱۰۱	 بی‌سلاطنتی به اداره امور کشور
۱۰۵	 شاه اسماعیل دوم و یاران قهقهه
۱۰۶	 شاه اسماعیل دوم و مذهب
۱۱۴	 آیا شاه اسماعیل دوم سنی بود؟
۱۲۵	 شورشها
۱۲۶	 شاه اسماعیل دوم و مردم
۱۳۰	 ۲- سیاست خارجی
۱۳۰	 شاه اسماعیل دوم و عثمانی
۱۳۲	 شاه اسماعیل دوم و ازبکان
۱۳۲	 شاه اسماعیل دوم و هندوستان

فصل پنجم: مرگ نابهنگام

۱۴۷	 مرگ شاه اسماعیل دوم
۱۵۰	 پیامدهای مرگ شاه اسماعیل دوم
۱۵۲	 شاه اسماعیل‌های دروغین

فصل ششم: ارزیابی شاه اسماعیل دوم

۱۵۷	 بی‌رحمی و خونریزی
۱۵۹	 تساهل مذهبی
۱۶۰	 کاهش قدرت قزلباشان
۱۶۳	 شاه اسماعیل دوم، هنرمند و هنرمندنواز

۱۶۹	 پایان
۱۷۷	 کتابشناسی
۱۸۹	 فهرست اعلام

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

ساختن مستلزم تفکر و برنامه‌ریزی و کار اندیشوران و متخصصان است، و خراب کردن نیازی به آنان ندارد. کسانی هستند که گذشته از دانش، شوق درونی برای ساختن و حفظ ساخته‌ها دارند و کسانی نیز عموماً به آسیب رساندن و خراب کردن می‌اندیشند. ملتها نیز بر همان سیرتند. تاریخ ایران گواهی می‌دهد که ملت ایران، ملتی سازنده است و جوهر سازندگی در تار و پود آن ریشه دوانده است. ایرانی در هر فرصت تاریخی که زمامدار مشوقی داشته ساخته‌های بسیار از خود به یادگار گذاشته ولی سپس همین ملت بسیاری از آنها را خراب کرده و از میان برده است. بی‌تردید، موقعیت جغرافیایی ایران در سرنوشت تاریخی این ملت نقش مؤثر و آشکار داشته و هجوم قومهای بیابانگرد و حمله فرمانروایان بیگانه بسیاری از ساخته‌های ملت ایران را به ویرانه‌ای تبدیل کرده است. ولی این ملت، گذشته از اینکه برخی از زمامدارانش موجب تحریک قومهای بیابانگرد و فرمانروایان بیگانه به هجوم به ایران شده‌اند، خود نیز به دست خویش، به‌ویژه در جنگهای داخلی بسیاری از ساخته‌هایش را از میان برده است.

تاریخ ایران گواه دردناکی از کثرت ساخته‌های این ملت و ویران شدن آنهاست.

تداوم ساختن و ویران کردن که تاریخ ایران در توضیح علت‌های آن کمک می‌کند برای ایران امروز اثرهای اندکی به‌جای گذاشته است.

در سده‌های دراز تاریخ ایران که استبداد نفس‌گیر سرتاسر پیکره آن را در هر شهر و روستا زیر سایه شوم و هراس‌انگیز خود قرار داده بود فرمانروایان مستبد که عموماً به حفظ قدرت و ارضای هوسهایشان می‌اندیشیدند، کشتند و خراب کردند و اگر برخی از آنان به ساختن پرداختند فرمانروای پیروز بر آنان، بسیاری از آن ساخته‌ها را ویرانه کرد. وقتی که در نظر گرفته شود ملت ایران به گواهی تعداد اندکی از باقیمانده ساخته‌ها، از ۲۵۰۰ سال قبل به ساختن پرداخته و آن‌گاه چنین آثار اندک از ساخته‌هایش به‌جای مانده است متوجه واقعیت تلخ می‌شویم که این ملت همواره ساخته و خراب کرده است.

این دور تسلسل همچنان ادامه یافت و امروز برای ما کشوری باقی گذاشت که شدت عقب‌ماندگی و انبوه دشواریهای آن احساس و اندیشه ما را به‌سختی در هم می‌فشارد.

مطالعه کتاب شاه اسماعیل دوم که ساخته‌های دیگران را در هم کوبید و به کشتار بی‌رحمانه بی‌گناهان پرداخت گواه دردآوری است که ما ساختیم، خراب کردیم و کشتیم. این خصوصیت، افزون بر سایر زیانهایش، روح جامعه ما را با خشم، کینه و انتقام‌گیری تیره و زهرآلود کرده است. استبداد طولانی که با خودکامگی و خشونت فرمانروایان مستبد همیشه همراه بوده خشونت را در جامعه ما رائج و معمول ساخته است. این خصیصه‌های ناسالم، تباہ‌کننده روح خلاقیت و سازندگی مردم کشور ماست و مردم ما را از یکدیگر دور کرده است. این خصیصه‌ها که نشانی از عقب‌ماندگی‌هاست همواره کشور ما را مورد ضربه‌های زیانبار قرار داده و فرصت سازندگی را از آن گرفته است.

دریغ است در زمانه‌ای که بسیاری از ملتها با دگرگونیهای اجتماعی و سیاسی، با واقع‌بینی و با توجه به منافع ملی برخورد می‌کنند خشونت در جامعه ما مطرح شود. وجود

خشونت در جامعه نشانه ضعف قدرت قانون و آن، عدم امنیت و سپس توقف تلاشهای سازندگی را به دنبال می‌آورد. خشونت فرصتهای گرانقدر را برای سازندگی از میان می‌برد و کشور را درگیر شرایط ناروا می‌کند.

زمانه ما خشونت را نمی‌پذیرد و ما را ناگزیر و مکلف می‌سازد که راهی در پیش گیریم که با شرایط خاص زمان ما همساز باشد.

وقتی که کثرت و شدت جنایتهای سفیدپوستان حاکم در افریقای جنوبی را به یاد می‌آوریم و آن‌گاه ملاحظه می‌کنیم که ماندلا، رهبر سیاه‌پوستان آن کشور، هنگامی که از زندان بر بالاترین مسند قدرت فرار گرفت از اعمال هرگونه خشونت خودداری کرد و کوشید جامعه را از هرگونه کینه‌ورزی و انتقامگیری بر حذر دارد نمی‌توانیم تأکید زمان را نادیده بگیریم. ماندلا ۲۷ سال از بهترین سالهای عمر خود را در زندانهای حکومت سفیدپوستان گذراند و با آزارها و شکنجه‌ها روبرو شد، ولی هنگامی که به قدرت رسید به منافع ملی کشورش و کثرت کارهای سازندگی که در پیش داشت اندیشید. او رئیس جمهور سفیدپوست و هیچ یک از اعضای کابینه او را نه تنها نکشت و حتی زندانی نکرد بلکه برخی از آنان را وارد کابینه خود نمود تا آهنگ سازندگی کشور متوقف نشود و همه افراد، چه سیاه و چه سفید، با اعتماد به حاکمیت قانون و بیش از گذشته به کوششهای سازندگی ادامه دهند.

باید از تاریخ پیاموریم که سازندگی را متوقف کردن چه اثرهایی از خود به جای می‌گذارد و به منافع مردم و کشور اندیشیدن چه نتیجه‌هایی به بار می‌آورد. ما باید روح زمان را درک کنیم و خشونت را برای همیشه کنار بگذاریم. همه ما باید به این حقیقت مسلم توجه داریم داشته باشیم که عامل اصلی رفع عقب‌ماندگیها و تلاش برای داشتن زندگی بهتر، تنها و تنها، در گرو کوشش دسته‌جمعی همه افراد ملت با هر عقیده و مذهب و نژاد می‌باشد.

در زمانه ما که بسیاری از ملتها می‌کوشند با ایجاد شرایط مناسب همه افراد کشور را به کوشش بیشتر برای بهروزی مردم و پیشرفت کشور ترغیب نمایند برای مردم ایران راهی جز به دورانداختن شیوه خشونت و جلوگیری از هرگونه عاملی که موجب بروز

خشونت گردد. وجود ندارد. خشونت موجب ایجاد کینه و خصومت می‌شود و ما را با یکدیگر دشمن می‌سازد.

تاریخ صفویان و پادشاهی که کتابش در دست شماست روشن می‌دارند که کشتارها و خراب کردنها عموماً توسط ما انجام گرفته و هر چه هست «از ماست که بر ماست.» در دو سده اخیر، ایرانی در برخی موارد چون دشمن خویش عمل کرده است. ما باید بدانیم که قدرتهای بیگانه با ما نه دشمنی دارند و نه دوستی. آنها فقط در اندیشه منافع ملی خود هستند و بر آن اساس با ما و یا هر ملتی دوستی و یا دشمنی می‌کنند. پالمرستون نخست وزیر انگلستان در سده نوزدهم گفته بود انگلستان نه دوستی دایمی دارد و نه دشمنی دایمی، فقط منافع دایمی دارد. سیاست دوگانه آمریکا و غرب با عراق هنگام جنگ با ایران و سپس زمانی که به کویت حمله کرد گواه صحت نظر بالاست. آمریکا و غرب در تمام مدت هشت سال جنگ از عراق حمایت مؤثر و همه جانبه کردند و پس از حمله آن کشور به کویت، اکثر تأسیسات اقتصادی و نظامی آن را با بمبارانهای سنگین با خاک هموار نمودند و مردم آن را بی رحمانه کشتند. ما نیز باید به منافع ملی خود بیندیشیم و آن را راهنمای عمل قرار دهیم. توجه به منافع ملی خشونت را نفی می‌کند و همکاری دسته جمعی را طلب می‌نماید.

بکشیم توجه به منافع ملی را در خود دایمی و ریشه دار کنیم تا خشونت برای همیشه از بن کنده شود. مهمترین و کارسازترین راه رسیدن به این هدف بزرگ، استقرار آزادی در کشور و نهادینه شدن آن است. آزادی، مؤثرترین و مطمئنترین راه جلب توجه مردم به منافع ملی و لزوم حفظ آن است. آزادی، موجب ورود کلیه افراد مردم به صحنه فعالیتهای اجتماعی می‌شود و مردم صالحترین قدرت برای حفظ منافع خود، که منافع ملی است، می‌باشند. آزادی، همه مردم را آگاه می‌کند که جامعه را از آن خود و متعلق به خود بدانند و چون خانه خویش در حفظ آن و جلوگیری از هرگونه زیانی به آن دقیق و هوشیار باشند. آزادی، همدلی و همبستگی را که از میان برنده خشونت است در میان افراد جامعه تقویت می‌کند و همگان را متوجه می‌نماید که مطمئنترین راه تضمین حفظ منافع هر فرد در حفظ منافع ملی و جامعه است.

بدون آزادی، نیروی ملت از درون تهی می‌گردد و بیش از همیشه در برابر هر ضربه‌ای از داخل و خارج آسیب‌پذیر می‌شود و منافع ملی مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. آزادی، قدرت ملت را با همکاری دسته‌جمعی همهٔ افرادش توان شکست‌ناپذیر می‌دهد و ملت را در برابر هر تهدیدی برای منافع ملی مقاوم و پیروز می‌کند. آزادی، شرایط اجتماعی را برای خدمت به کشور برای همهٔ افراد با هر عقیده و مذهب و از هر قوم مساعد می‌کند و همه را با توجه دقیق به حفظ منافع ملی، برای ساختن ایرانی آباد و پیشرفته به‌شوق می‌آورد. آزادی، روح سازندگی را در مردم ایران تقویت می‌کند و خصیت خراب کردن را از میان برمی‌دارد.

آزادی، کلید اصلی حفظ منافع ملی و عامل بنیادی و مؤثر سازندگی است.

چند نکته دربارهٔ این کتاب گفته می‌شود.

۱- از دشواریهای پژوهش درباره صفویان تعیین تاریخ یک رویداد است. مورخان صفوی، گاهی تاریخ یک رویداد را با اختلاف با یکدیگر نوشته‌اند. گاهی نیز حتی یک مورخ صفوی درباره یک رویداد، در دو صفحه جداگانه، دو تاریخ را اعلام داشته است. کوشش گردید تاریخی که نزدیکتر به حقیقت باشد در متن کتاب آورده شود.

۲- چون پژوهش درباره شاهان صفوی عموماً مدت طولانی می‌طلبد به همین جهت، گاهی چاپهای مختلف از یک کتاب، مانند عالم‌آرای عباسی تألیف اسکندرینک، در کتابخانه‌های داخل و یا خارج کشور مورد استفاده واقع شده است. در ذکر منبع، در هر مورد به تصحیح‌کننده آن اشاره شده، و مادام که تغییر نیافته، از ذکر مجدد نام تصحیح‌کننده در صفحه‌های بعد خودداری شده است.

۳- علاقه‌مند بودم، و لازم می‌دانستم که در رویدادهای مهم، تاریخ هجری قمری و تاریخ میلادی با هم آورده شود. چون سال هجری قمری ۳۵۴ روز و سال میلادی مانند سال شمسی هجری ۳۶۵ روز است در طول سده‌ها، سالهای آن دو تقویم عموماً بخشی از دو سال هر یک از آن تقویمها را در بر می‌گیرد. به همین جهت،

به جای آنکه نوشته شود ۹۸۴ هـ. برابر با ۱۵۷۵ - ۱۵۷۶ م. می باشد، برای سهولت دریافت فقط یکی از آن دو سال نوشته شده است بدین نحو، ۹۸۴ (۱۵۷۶ م.). ضمناً در تعیین سالهای برابری، تا ۹۹۱ هـ. از تقویم ژولین (Julian) و از آن سال به بعد از تقویم گرگوریان (Gregorian) که معمول است استفاده شده است.

منوچهر پارسادوست

خرداد ۱۳۸۰